

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ اگست ۲۰۱۸

"خینه بعد ارعید" پیشکش "باند ارگ"

سه شنبه- ۲۳ اسد ۱۳۹۷ - کابل: تا جایی که از اخبار رسانه ها و آنهائی که امروز خود را از غزنی به کابل رسانیده اند، گویا طالبان از شهر غزنی بیرون رانده شده و شهر تا حدودی آرام است، مگر درگیری های پراکنده در حوالی شهر ادامه داشته، فضای رعب و وحشت هنوز هم بر سرتاسر شهر حکمفرما و از بسا نقاط شهر دود و آتش زبان حال روز های گذشته غزنی می باشد. اما وقایع غزنی چه چیزی را نشان داد:

۱- نقش دولت دست نشانده در فاجعه خونبار غزنی از دو حالت خارج نیست:

الف- این که دولت دست نشانده گذشته از نداشتن اراده مقابله با مهاجمان، در تبنائی خاینانه و ضد انسانی با آنها قرار داشت. از همین رو گذاشت تا نیروهای وحشی طالب، هرچه در توان داشتند و هر جنایاتی را که می توانستند انجام دهند، در حق مردم غزنی که علیه مطلق العنانی "باندارگ" نه گفته بودند، به نمایندگی از دولت دست نشانده انجام دهند.

ب- علی رغم موجودیت اراده مقابله علیه طالب در دولت دست نشانده و نیروهای امنیتی آن، این نیروها فاقد توانائی ها و درایت های لازم جهت کنترل و پیشبرد اهداف شان در مقابله با جنایتکاران طالب بودند. یعنی دلشان می خواست تا طالب را دفع و سرکوب کنند اما نمی دانستند چگونه و نمی توانستند انجام دهند.

از هر دو احتمال فوق این نتیجه به دست می آید. علیه دولت دست نشانده وارگانهای امنیتی تا پای جان مبارزه نمودن و آنها را در صورت اول به اتهام خیانت به کشور و همسوئی در کشتار مردم به محاکمه کشاندن و در صورت دوم، اهمال و غفلت در وظیفه در پنجه قانون سپردن.

۲- آنچه به نام نیروهای امنیتی و سران حکومتی در این و یا آن شهر از جانب "باند ارگ" گمارده شده اند، هیچ نوع پیوند و تعلق خاطر و مسؤولیت وجدانی نسبت به مردم آن محل ندارند. آنها مجریان بی اراده ای هستند که انسان پست و کثیفی مانند "غنی احمدزی" آنها را انتخاب نموده و فقط خود را متعهد به وی می دانند. از همین رو ضمن آن که قبل از هر حمله و جنگی عده ای از آنها در محل حاضر نمی باشند- دو نمونه برجسته غیابت والی قندوز سال گذشته و والی غزنی همین اکنون حین حمله مهاجمان در محل وظیفه- بخش دیگری نیز از موضع ستون پنجم دشمن عمل نموده، با سپردن واحد ها و قطعات تحت امر شان در عمل به خلق افغانستان خیانت می نمایند، نمونه این حرکت تسلیم شدن تعدادی از افراد اردو و نیروهای امنیتی دولت دست نشانده در همان آغاز حمله طالب بر غزنی در حوزه اول و دوم و دست طالب را گرفته به داخل شهر آوردن.

۳- در کنار تلفات نیروهای درگیر، به صد ها و هزاران انسان بیگناه که هیچ گناهی به جز تحمل این دو دیو خون آشام بر گرده شان ندارند، نیز جان باخته اجساد شان در کنار سرکها و خانه ها باقی مانده است. به ده ها دکان و خانه آتش زده شده، مال و دارائی آن به یغما برده شده است. تا جایی که از گزارشات امروز بر می آید بعد از تاراج غوری گونه طالب، نوبت به تاراج و غارت مغول مانند نیروهای دولتی و دزدان حرفه ئی رسیده است، که آنها نیز از فضای موجود حد اعظم سوء استفاده را نموده، هست و بود مردم را به یغما می برند.

۴- دخالت نیروهای هوایی و زمینی دولت دست نشانده و باداران خارجی آنها در چهارمین روز یعنی بعد از آن که طالب به فحواى شاهنامه : "برید و درید و شکست و ببست*** یلان را سر و سینه و پا و دست"، اگر نگوئیم جنایتی بود و است به تعقیب جنایات شرکای ستراتیژیک آنها یعنی طالب و داعش، چیزی بیشتر از "خینه بعد از عید" نیست که ارزانی "باندارگ" باد!

۵- اگر به تجارب تاریخی نگریسته شود، همیشه حمله به غزنی و تصرف آن ولایت مقدمه حمله بر کابل بوده است. هموطن به خصوص همشهریان کابل!

اگر نمی خواهید آنچه در غزنی و بالای هموطنان غزنوی تان اتفاق افتاد بر شما نیز اتفاق بیفتد، اگر نمی خواهید مصیبت ها و جنایاتی که آنجا هموطنان غزنوی تان تحمل نمودند شما نیز تحمل نمائید، بیائید مشترکاً به سرکها برآمده نابودی رژیم دست نشانده و دلقک های "باندارگ" را در دستور کار قرار دهیم.

سرکها می را می طلبد!!